

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH18K451231 ISSN-P: 2676-6442

نگاهی به مبانی ماهوی مسئولیت مدنی صغیر ممیز در حقوق

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۰۹)

فاطمه محدث‌رادی

پژوهشگر و حقوق‌دان

چکیده

یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مسائل در مورد اشخاص که موضوع علم حقوق‌اند، وضعیت اطفال است. این قشر - به دلیل تاثیرگذاری بر معادلات جامعه و آینده هر کشور - باید از زوایای مختلف مورد نظر قرار گیرند و طبعاً پیشرفت آتی کشور مستلزم توجه هرچه بیشتر به پرورش جسمی و روحی آنهاست. به همین خاطر، تعیین قلمرو مسئولیت مدنی اطفال که درصد بزرگی از جامعه را تشکیل می‌دهند، ضروری است. قانون مسئولیت مدنی، شرایط عمومی مسئولیت در حقوق مدنی ایران عبارت است از تحقق خسارت و تقصیر وارد کننده زیان و وجود رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت وارده از این شرایط عمومی آنچه در اینجا قابل بحث به نظر می‌رسد تقصیر است. در مورد زیانهای وارده به وسیله صغیر و مجنون، در حقوق تطبیقی، علاوه بر اینکه سرپرست با شرایطی مسئول شناخته شده، خود محجور نیز حتی در کشورهایی که اصولاً تقصیر را به عنوان مبنای مسئولیت پذیرفته اند. با حدود و قیودی مسئول به شمار آمده است. و این بیشتر از لحاظ حمایت از زیان دیده و تسهیل جبران خسارت وارده است که امروزه در درجه اول اهمیت قرار دارد. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله قصد داریم به مبانی ماهوی مسئولیت مدنی صغیر ممیز در حقوق بپردازیم.

واژگان کلیدی: صغیر ممیز، مسئولیت مدنی، تقصیر، حجر، ورود ضرر، جبران خسارت

بخش اول: مفهوم مسئولیت در اصطلاح حقوقی و فقهی

مسئولیت در معنای قانونی آن، التزام شخص به تحمل حکم قهری قانون در قبال رفتاری است که از وی صادر شده است. عده ای از حقوقدانان ایرانی، با توجه به معنای لغوی مذکور، مسئولیت را عبارت از التزام شخص به پاسخگویی اعمال و رفتار خویش در برابر مردم دانسته اند که معیار تجلی آن اعمال و رفتاری است که موجب خسارت یا جنایت می گردد. در قانون ایران هیچ گونه تعریفی از مسئولیت ارائه نشده و به همین دلیل، از طرف حقوقدانان نیز به صورت یکسان تعریف نشده است؛ ولی همگی آن ها مسئولیت را به نوعی تعهد و التزام دانسته اند. در حقوق خارجی نیز مسئولیت^۱ نوعی مفهوم حقوقی است که براساس قدرت یک طرفه و مطابق یک قاعده حقوقی انجام یا عدم انجام امری را الزام می کند. به بیانی دیگر، مسئولیت عبارت است از تعهد یا الزامی که به دستور قانون، برای رفع تجاوز مقرر شده است. در فرهنگ اصطلاحات سیاسی - حقوقی فرهیخته، در تعریف مسئولیت آمده است: واژه مسئولیت در اصطلاح قضایی و حقوقی، به معنای تعهد قانونی فرد به رفع ضرری است که به دیگری وارد شده است. بنابراین، انسان از نظر مدنی وقتی مسئول تلقی می شود که به جبران آثار و نتایج خسارتی ملزم باشد که به دیگری وارد آورده است (جعفری لنگردی، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

"مسئولیت" در فقه، درباب ضمان مورد بررسی قرار می گیرد. ضمان در فقه به طور مطلق در معنای مسئولیت اعم از کیفری و مدنی استعمال شده است. این عنوان فقهی و حقوقی در حقوق مدنی دارای اقسام متعددی است، مثل ضمان عقدی، ضمان قهری، ضمان عین، ضمان ایدای متعاقبه و ضمان اتلاف. اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقصر را طبق موازین اسلامی ضامن می داند. اصل مذکور، با الهام از منابع فقهی صراحتاً چگونگی ضمان و مسئولیت قاضی را مشخص کرده است. برابر این اصل، هرگاه بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم در تطبیق حکم در مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد؛ در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است. در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر دو حال، از متهم اعاده حیثیت می گردد. یکی از معانی که برای واژه ضمان در اصل مذکور منظور شده است، "ضمان قهری"

^۱ liability

است که ابتدا به تعریف آن می‌پردازیم:

"ضمان قهری"، مسئولیتی است که بر عقد قرارداد متفرع نبوده و از تعهد اشخاص در مقابل یکدیگر ناشی نمی‌شود. مبنای این مسئولیت، این وظیفه عام و تکلیفی قانونی است که افراد در مقابل یکدیگر دارند که خسارتی به یکدیگر وارد نیاورند. در جاهایی که دو نفر هیچ پیمانی با هم ندارند و یکی از آن‌ها به عمد یا خطا به دیگری زیان می‌رساند، مسئولیت را غیرقراردادی یا خارج از قرارداد یا ضمان قهری می‌نامند (همان منبع، ص ۲۲).

از آن جا که قاضی با متهم یا طرفین دعوا هیچ رابطه قراردادی ندارد؛ مسئولیت او قراردادی نیست، بلکه خارج از قرارداد است. یعنی ضمان قاضی، ضمان عقدی نیست، بلکه ضمان قهری است. فقها، هم در مواردی که شخص به پرداخت مالی ملزم می‌شود، از لفظ ضمان استفاده می‌کنند و هم در مواردی که از لحاظ کیفری مسئول است. به طور کلی باید گفت، مسئولیت در اصطلاح فقهی - به تعبیر حقوقدانان - در سه معنا به کار رفته است: "ضمان عقدی یا معاوضی"، "ضمان قهری" و "عقد ضمان".

ضمان عقدی یا معاوضی همان ضمان ناشی از قرارداد است؛ چنان که در عقد بیع در حقوق اسلامی، فروشنده و خریدار، هر دو در مقابل یکدیگر ضامن‌اند. یعنی بایع، متعهد و ملزم و ضامن است که میباید را به مشتری تسلیم کند؛ همان‌طور که مشتری ضامن است که ثمن را به بایع بپردازد و در صورت مستحق‌الغیر در آمدن هر یک از میباید و ثمن، بایع و مشتری، ضامن درک آن می‌باشند (طاهری، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

بخش دوم: نگاهی به قلمرو مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی دارای معانی عام و خاص بوده و به همین لحاظ، دو تقسیم کلی از این مسئولیت عبارت است از: "مسئولیت به معنای عام" که هم شامل مسئولیت‌های قراردادی و هم مسئولیت‌های خارج از قرارداد می‌گردد و نیز، "مسئولیت به معنای خاص" که صرفاً مسئولیت‌های بدون منشاء قراردادی را شامل می‌گردد. بنابراین، مسئولیت مدنی به معنای اعم، عبارت است از وظیفه حقوقی که شخص در برابر دیگری، به انجام دادن یا ترک کردن عملی دارد؛ اعم از این که منشاء آن عمل حقوقی باشد، همانند قرارداد و یا عمل مادی باشد مثل اتلاف و یا تسبیب در اتلاف مال دیگری و یا منشاء مسئولیت به طور مستقیم، مقررات قانونی باشد، مانند انفاق به خویشاوندان و یا

مسئولیت مدنی ناشی از ارتکاب جرم باشد. بدین ترتیب، در مسئولیت مدنی به معنای اعم، مسئول به جبران خسارت وارد شده به اشخاص مکلف می باشد؛ اعم از اینکه منشأ ضرر و زیان، جرم، شبه جرم (ضرر و زیان ناشی از تقصیر مرتکب که فاقد وصف اجرایی باشد)، عدم اجرای قرارداد و یا الزامات خارج از قرارداد، یا عدم اجرای وظایف قانونی باشد. در زمینه مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد که به عنوان مسئولیت مدنی به معنای اعم شناخته شده است؛ بین حقوقدانان، اختلاف دیدگاه به چشم می خورد. از منظر عده ای، مسئولیت قراردادی را اساساً می بایست از سایر انواع مسئولیت جدا کرد؛ چه، تنها در این نوع مسئولیت مدنی است که اساس پیدایش و عامل ارتباط میان زیان دیده و مسئول، وجود قرارداد و تعهد است و مسئولیت کسی که به موجب قرارداد، تعهدی را پذیرفته است؛ اما به دلیل عدم ایفای تعهد یا تأخیر در آن، موجبات ورود ضرر و زیان به متعهدله را فراهم آورده است. مسئولیتی است قراردادی و تابع شرایط مندرج در آن، از حیث نحوه و میزان جبران خسارت و سایر موارد، مسئولیت مدنی است؛ درحالی که در تمامی انواع مسئولیت مدنی، مرتکب فعل زیانبار، در قرارداد ریشه نداشته و صرفاً قهری می باشد و در جایی است که کسی از تعهدات قانونی و عمومی، سرپیچی کند و در نتیجه به دیگری ضرر رساند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۷۴). بنابراین، جای مناسب را برای بررسی مسئولیت قراردادی، ضمن آثار حقوقی عقد می دانند؛ لکن گروه دیگری با ارائه دیدگاهی مخالف سعی کرده اند اختلاف ها را فرعی و کم اهمیت جلوه داده و قلمرو مسئولیت مدنی را تا حدود تعهدات قراردادی توسعه داده و نظام واحدی در این مورد به وجود آورند (قائم مقامی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶).

بند اول: مسئولیت قراردادی

"مسئولیت قراردادی"، در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد یا قرارداد ناشی شده است؛ به وجود می آید. به عبارت دیگر، ضمان عهدي یا مسئولیت قراردادی، زمانی محقق می شود که خسارت، ناشی از عدم اجرای تعهدی باشد که رابطه میان زیان دیده (متعهدله) و عامل ورود زیان (متعهد) است و بدین وسیله، متعهد باعث اضرار هم پیمانش شده است. مسئولیتی که متخلف از شرایط قرارداد در این باره پیدا می کند؛ به لحاظ ریشه تعهد اصلی، "مسئولیت قراردادی" نامیده می شود. لذا در مسئولیت قراردادی، مسئول، شخصی است که صاحب یک رابطه قراردادی باشد و به علت عدم ایفای تعهد، یا تأخیر و یا نقص در انجام دادن آن، زیانی به طرف دیگر قرارداد، وارد

سازد. در این حالت، متضرر می‌تواند به موجب عقد منعقد شده، الزام مشارالیه را به جبران ضرر وارد شده بخواهد. به بیان دیگر، مسئولیت قراردادی، در واقع نوعی تعهد قراردادی جدید است که در نتیجه تخطی از شرایط قرارداد، به خاطی تحمیل می‌شود و وی را از تحمل آثار و تبعات آن، در جبران و تدارک خسارت ناشی از آن ناگزیر می‌کند. نکته قابل ذکر در خصوص صغیر ممیز، این که به علت محجور بودن و لذا ممنوعیت نامبردگان در تصرف در اموال و حقوق مالی و غیرنافذ بودن قراردادهای منعقد شده به واسطه فقدان تأثیر و نقش قانونی رضای ایشان، حسب انشای قانونگذار، مگر با تنفیذ بعدی ولی یا قیم ایشان. لذا مسئولیت قراردادی ناشی از قرارداد مزبور، متوجه ولی یا قیم ایشان به واسطه انعقاد و یا تنفیذ قرارداد منعقد شده از سوی ایشان می‌باشد؛ زیرا مسئولیت قراردادی، در جایی محقق می‌شود که زیان وارد شده، ناشی از عدم اجرا یا نقص در اجرای قرارداد باشد؛ در صورتی که صغیر ممیز، اساساً اهلیت اداره اموال خویش و لذا اجرا و ایفای مفاد قرارداد مالی منعقد شده از سوی ولی یا قیم خویش را ندارند و لذا حتی در صورت انعقاد اولیه آن توسط آنان، مسئولیت ایفای مفاد چنین قراردادهایی، به واسطه اجازه و تنفیذ قرارداد از سوی ولی یا قیم، با ایشان بوده و منطقی و معقول نیست که سفیه و صغیر ممیز را به موجب قرارداد منعقد شده براساس رضای قیم، دارای مسئولیت قراردادی تلقی کنیم. زیرا اگر چه، به واسطه دارا بودن قوه تمیز نیک و بد می‌توانند دارای قصد انشا در معاملات و قراردادها باشند؛ لکن به صراحت قانون، قراردادهای منعقد شده از سوی ایشان، محتاج تنفیذ و اجازه بعدی ولی یا قیم می‌باشد؛ زیرا رضای نامبردگان، فاقد هر گونه اثر قانونی است و لذا قرارداد منعقد شده تا قبل از ضمیمه گردیدن رضای ولی یا قیم، غیرنافذ است و بنابراین، به نظر می‌رسد، مسئولیت مستقیم ناشی از عدم ایفای تعهدات قراردادی، نه با سفیه یا صغیر ممیز، بلکه با قیم و ولی ایشان است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

بند دوم: مسئولیت غیر قراردادی (مدنی) یا مسئولیت به معنای اخص کلمه

به مسئولیت‌ها و تکالیفی که برعهده اشخاص قرار داده می‌شود، "الزامات یا مسئولیت‌های غیرقراردادی" گفته می‌شود. سبب این الزامات ممکن است شبه عقد، جرم یا شبه جرم باشد. به بیان دیگر، الزامات غیرقراردادی یا خارج از قرارداد، به واسطه ارتکاب جرم برای افراد ایجاد می‌شوند که به آنها مسئولیت کیفری گفته می‌شود، یا بدون آن که جرمی رخ داده باشد، یک

شخص در مقابل شخص دیگر مسئول شناخته شده و تکالیفی بر عهده اش گذاشته می شود که به آن مسئولیت مدنی می گویند. مسئولیت مدنی نیز در مفهوم وسیع، گاه به واسطه قرارداد برای اشخاص ایجاد می شود که به الزامات ناشی از عقد یا مسئولیت قراردادی معروف است و گاه بدون این که قراردادی بین اشخاص وجود داشته باشد، شخصی در مقابل شخص دیگر مسئولیت پیدا می کند و ملزم می شود خسارت هایی را که وارد کرده است، جبران کند که به آن الزامات خارج از قرارداد یا مسئولیت قراردادی یا ضمان قهری گفته می شود. باید توجه داشت که گاهی مسئولیت مدنی به معنای محدودتری نیز به کار می رود. در این حالت، صرفاً به معنی الزامات خارج از قرارداد بوده و شامل الزامات قراردادی نمی شود. اسباب و موجبات الزامات خارج از قرارداد براساس قانون مدنی؛ عوامل ایجاد الزامات خارج از قرارداد پنج دسته هستند:

اول- دارا شدن غیر عادلانه: در علم حقوق قاعده ای به نام دارا شدن غیر عادلانه وجود دارد که براساس آن، هیچ کس نمی تواند به زیان شخص دیگر و بدون اجازه قانون، چیزی را دارا شود. برای این که عملی، مشمول این قاعده قرار گیرد، باید سه شرط وجود داشته باشد: بر اثر کاری، دارایی شخص افزایش یابد، زیاد شدن دارایی شخص به زیان شخص دیگری باشد، یعنی باعث کاهش دارایی آن شخص شود و شرط سوم این که افزایش دارایی به صورت غیر قانونی باشد براساس این قاعده، در صورتی که شخصی چیزی را به صورت ناعادلانه به دست آورد، مجبور است آن را به شخصی که از این دارا شدن ضرر کرده است، پس بدهد (تاجمیری، ۱۳۷۸، ص ۴۷). البته قانون مدنی به صراحت از این قاعده نام نبرده؛ اما مصادیقی از آن را ذکر کرده است که می توان آنها را در دو مورد خلاصه کرد:

الف) پرداخت نابه جا: مطابق ماده ۳۰۱ قانون مدنی: «کسی که عمداً یا اشتبهاً چیزی را که استحقاق آن را نداشته است، دریافت کند، باید آن را به مالکش برگرداند». ماده ۳۰۲ قانون مدنی نیز با بیان دیگری این مطلب را تأیید می کند. طبق این ماده، «اگر شخصی که به اشتباه خودش را بدهکار (مدیون) می دانسته است، اقدام به پرداخت آن بدهی (دین) کند، حق دارد چیزی را که پرداخته است، پس بگیرد».

ب) اداره مال غیر: براساس ماده ۳۰۶ قانون مدنی، اداره مال غیر عبارت است از: «اعمالی که کسی مطابق با شرایط قانونی، برای اداره کردن اموال شخص دیگری انجام می دهد».

در اصطلاح حقوقی، به شخصی که به اداره مال غیر پرداخته است، «مدیر» می‌گویند. مدیر با وجود این که با صاحب مال قراردادی نبسته است؛ می‌تواند هزینه‌هایی را که برای اداره کردن مال، پرداخت کرده است؛ از مالک آن مال مطالبه کند. البته همان گونه که اشاره شد، برای اینکه مدیر بتواند این هزینه‌ها را مطالبه کند، شرایطی وجود دارد:

شرط نخست این است که مدیر بدون این که قراردادی با مالک مال بسته باشد، به اداره آن مال اقدام کند؛ شرط دوم آن است که مالک مال، از اداره کردن مال خود عاجز و ناتوان باشد؛ شرط سوم آن که، عدم دخالت مدیر یا تأخیر او در اداره آن مال، باعث ضرر مالک مال شود و طبق شرط چهارم، مالک مال، مدیر را از اداره آن مال منع نکرده باشد.

دوم- غصب و آنچه در حکم غصب است: اصطلاح غصب زمانی به کار می‌رود که شخص بر مال شخصی دیگر به زور و بدون رضایت او مسلط می‌شود؛ اما اگر شخص، بدون استفاده از زور بر مال دیگران مسلط شود، عملش در حکم غصب است نه غصب؛ یعنی عمل او واقعاً غصب نیست؛ اما مقررات غصب درباره آن اجرا می‌شود. به عنوان مثال، اگر شخصی در خانه‌ای که هیچ حقی نسبت به آن ندارد، ساکن شود؛ آن خانه را غصب کرده است؛ اما اگر کسی خانه‌ای را برای مدت یک سال اجاره کند و بعد از یک سال و با وجود اینکه مالک از او خواسته است آن خانه را تخلیه کند، همچنان در خانه بماند و آن را تحویل ندهد، عمل او در حکم غصب است (همان منبع، ص ۵۰). برابر ماده ۳۱۱ قانون مدنی: «غاصب وظیفه دارد مالی را که غصب کرده است، به مالکش بازگرداند. البته ممکن است مال دچار عیب شده یا نقص پیدا کرده باشد که در این صورت، باید علاوه بر این که مال را پس می‌دهد، آن عیب یا نقص را نیز جبران کند. اما اگر مال غصب شده از بین رفته باشد، غاصب وظیفه دارد مالی شبیه مال از بین رفته پیدا کند و به مالک بدهد و اگر شبیه آن مال وجود نداشته باشد، موظف است قیمت آن مال را به صاحبش بدهد».

سوم- «اتلاف» در اصطلاح حقوقی به این معنا است که شخص به «طور مستقیم» مال شخص دیگری را از روی عمد یا غیر عمد از بین می‌برد. منظور از «به طور مستقیم» این است که شخص باید این کار را بی واسطه انجام دهد، نه آن که سبب تلف مال را ایجاد کند. طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «شخصی که مال دیگران را تلف کند، مسئول و ملزم به جبران آن است».

چهارم- تسبیب: اصطلاح «تسبیب» نیز زمانی کاربرد دارد که شخص مقدمات تلف شدن مالی را

فراهم می کند، نه آن که مستقیماً مالی را تلف کند. مثل این که کسی گودالی در خیابان بکند و شخصی در آن سقوط کند و صدمه ببیند. یا این که شخصی پوست میوه اش را در خیابان بیندازد و شخص دیگری با پا گذاشتن روی آن بلغزد و زمین بخورد و صدمه ببیند. طبق ماده ۳۳۱ قانون مدنی: «شخصی که سبب تلف شدن مال دیگران را ایجاد کرده، ملزم است آن را جبران کند».

پنجم - استیفا: واژه "استیفا" به این معنا است که شخصی از مال دیگری با اجازه او یا از عمل دیگری با اجازه انجام دهنده عمل بهره مند شود، «بی آن که قراردادی میان طرفین وجود داشته باشد». بنابراین استیفا که به معنای بهره مند شدن است، از مال یا از عمل شخص دیگری خواهد بود. به عنوان مثال، اگر شاگردی با اجازه استاد در کلاس حاضر شده و از عمل او (تدریس) بهره مند شود، به استیفا از عمل شخص دیگری اقدام کرده است و باید آن را جبران کند یا اگر شخصی از مالک مالی بخواهد که مالش را به کسی صدقه بدهد و مالک این کار را انجام دهد، شخص دستور دهنده به استیفا از مال شخص دیگری اقدام کرده و به همین دلیل به جبران آن ملزم است (همان منبع، ص ۵۲).

بخش سوم: بررسی حقوقی حدود حجر صغیر ممیز

باید توجه داشت قانونگذار "به منظور حمایت از صغار" آنان را در ردیف اشخاص محجور، به شمار آورده است. حال این سوال مطرح می شود که آیا صغار ممیز در خصوص تمامی تصرفات و اقدامات خود، محجور به شمار می آیند و یا آن که حجر آنان مختص برخی از امور و اقدامات ایشان می باشد. بر این اساس، افعالی را که از صغار ممیز صادر می شود، کلاً می توان دو قسم دانست: اعمال حقوقی (افعال قضایی) یا تصرفات قولی، و دیگر اعمال مادی یا تصرفات فعلی یا وقایع حقوقی که به ترتیب، تأثیر حجر صغیر را در هر یک از این افعال شرح خواهیم داد:

مقصود از اعمال حقوقی، اعمال فکری و دماغی است که قانون برای آن ها ارزش و اعتبار قائل شده است و از موجبات تعهد و انتقال می باشد. عقود و ایقاعات، به وسیله "اراده" محقق می شود و اراده نیز، از "قصد" و "رضا" تشکیل گردیده است. صغیر ممیز، صغیری است که کیفیات نفسانی و قوه عقلانی او تا آن حد پرورش و تکامل یافته که بتواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد و به احکام و آثار مهم تمامی معاملات اعم از عقود و ایقاعات، آگاه باشد و ممیز بودن او امری نسبی است. لذا ممکن است صغیر نسبت به امری ممیز و نسبت به امر دیگری غیر ممیز باشد. اراده نیز، به

تشخیص سود و زیان مسبوق می‌باشد. لذا در اموری که صغیر ممیز، به تشخیص سود و زیان و آثار و احکام اقدامات تعهدآور خود قادر می‌باشد، اعمال وی محکوم به صحت است، مگر آن که به دلیل دیگری، چنین حقی از صغیر ممیز سلب شده باشد؛ مانند آن که، مبادرت به انجام چنین اعمالی موجب تصرف او در اموال و حقوق مالی‌اش گردد؛ که در چنین صورتی، ممنوعیت وی به انجام دادن افعال، به واسطه دلیل و منع قانونی دیگری، یعنی عدم اهلیت می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۳۰). بر همین اساس است که در قسمت آخر ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی آمده است: «صغیر ممیز، می‌تواند تملک بلاعوض کند؛ مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات». علت تجویز امور مذکور از سوی قانونگذار، این است که انجام دادن آن‌ها، موجب تصرف صغیر ممیز در اموال و حقوق مالی خود نمی‌شود، تا آن که به واسطه عدم داشتن اهلیت، از اجرای آن‌ها، ممنوع باشد؛ چنانکه در ماده ۸۶ قانون امور حسبی نیز، اجازه اداره اموال و منافی را که به سعی خود صغیر ممیز، حاصل شده؛ با اذن ولی و قیم، به او داده شده است. شاید قانونگذار، تحصیل اموال و منافع به وسیله صغیر ممیز را، اماره و دلیل قدرت تشخیص و سنجش نفع و ضرر او دانسته است. به طوری که در ماده مذکور، مقرر گردیده است: «محجور و ممیز، می‌تواند اموال و منافی را که به سعی خود او حاصل شده است، با اذن ولی یا قیم اداره کند». وقایع حقوقی یا اعمال مادی، در مقابل اعمال حقوقی یا افعال قضایی به کار می‌رود و عبارت از افعالی است که ترتب آثار حقوقی بر آن‌ها، به میزان بستگی آن افعال با اندیشه و قصد و ادراکات فاعل آن‌ها ارتباط ندارد. یعنی حتی اگر این افعال، از سوی اشخاص فاقد اندیشه و قصد و ادراک صادر شود، باز برای وی تعهد و ضمان ایجاد می‌کند به عبارتی دیگر، وجود اهلیت و اراده فاعل برای ایجاد مسئولیت، ضروری نیست و لذا تمامی افراد انسانی، اعم از صغیر و کبیر، سفیه و رشید، یا حتی مجنون و عاقل، نائم و بیدار، مست و هوشیار در صورت انجام افعال مادی، مسئولیت دارند. از جمله وقایع حقوقی، اتلاف و تسبیب در اتلاف مال غیر می‌باشد که مباشر و مسبب آن، به تأدیه خسارت وارده به زیان‌دیده مکلف است؛ اگر چه در فعل خود، تعمد و قصد نداشته باشد. طبق قاعده عقلی و حدیث نبوی "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام"؛ هر کس به نحوی از انحاء، به غیر زیان و ضرری وارد کند (مانند آن که مال کسی را تلف کند و یا سبب تلف مال غیر شود؛ چنان که مثلاً با سنگ شیشه خانه‌ای را بشکند) باید زیان متضرر را جبران کند. ماده ۳۲۸ قانون مدنی، این حکم کلی را در

اتلاف بالمباشره، به صورت زیر بیان می کند: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد؛ اعم از آن که از روی عمد تلف کرده باشد، یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است». نیز ماده ۳۳۱ قانون مذکور در خصوص اتلاف بالتسبیب می گوید: «هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن بر آید». بنابراین، با توجه به این که در موارد مذکور، مسئولیت مباشر و سبب، به نحو عام و با عبارت "هر کس" بیان شده است، بر فرض این که ماده دیگری، مسئولیت صغیر را در این خصوص، ذکر نمی کرد؛ مسئولیت صغیر، از آنها قابل استنباط بود. در حالی که ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی نیز به صراحت، صغیر (اعم از ممیز و غیر ممیز) را مسئول جبران زیان وارده به دیگران اعلام داشته است. به عبارتی دیگر، مقصود از وقایع حقوقی، آن دسته از افعالی است که قصد و اراده، در پیدایش آثار حقوقی بر آن، نقش نداشته و شرط تحقق آنها نیست و در این دسته از اعمال مادی یا وقایع حقوقی، ممکن است عامل، قصد انجام دادن این افعال را داشته باشد، منتها قصد و اراده ای در پیدایش آثار ناشی از این افعال را نداشته باشد؛ مثل جرم و شبه جرم، غضب، اتلاف و تسبیب. بنابراین، رویه ای که اثر آن به حکم قانون معین می شود و اراده و انشای مرتکب، سبب اصلی در پیدایش آثار نیست، "واقعۀ حقوقی" نامیده می شود. به عبارت دیگر، "وقایع حقوقی"، به معنای اخص، دسته ای از وقایع است که آثار حقوقی آن، نتیجه اراده شخص نیست، بلکه به حکم قانون به وجود می آید. ضمناً باید در نظر داشت که وقایع حقوقی انواع گوناگونی دارد:

گاه رویدادی است خارجی که به قهر و ناخواسته واقع می شود و اراده در آن هیچ نقشی ندارد؛ مانند ولادت و مرگ و گاه عملی است ارادی که قانون بدون توجه به قصد فاعل، آثار آن را معین کرده است؛ مانند غضب، سرقت و یا خطایی که باعث ایجاد ضمان می شود. قانون مدنی ما به اثر این وقایع پرداخته و آن را "الزامات خارج از قرارداد" و "ضمان قهری" نامیده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲).

این الزام ها را می توان به اعتبار مبنای ضمان، به دو گروه عمده تقسیم کرد:

۱. ضمانی که مبنای آن، ورود ضرر به دیگری است، که تحت عنوان مسئولیت مدنی قرار می گیرد و قانون گذار، مرتکب را به جبران خسارت ملزم می کند.

۲. ضمانتی که مبنای آن، بهره برداری و استیفای ناروا از مال یا عمل دیگری است و با عناوینی چون ایفای ناروا، استیفا، ادارهٔ فضولی و استفادهٔ بدون جهت شناسایی می‌گردد. اعمال حقوقی صغیر (ممیز و غیر ممیز) هریک به نوعی، مورد حمایت قانونگذار قرار دارد. سوالی که مطرح می‌شود، آن است که آیا در افعال مادی یا وقایع حقوقی که به اراده در پیدایش و ایجاد آثار آن‌ها نیازی نیست و صرفاً نتیجه و اثر واقعۀ حقوقی و فعل مادی، مد نظر قرار دارد؟ آیا می‌توان از مقررات حمایتی، هم چنان که در اعمال حقوقی دیده شد، بهره گرفت یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، باید گفت همان‌طور که صغیر ممیز می‌تواند پاره‌ای از اعمال حقوقی و عقود (تملکات بلاعوض) را واقع سازد؛ در زمینهٔ وقایع حقوقی نیز به واسطهٔ شبه عقد و جرم و شبه جرم، ضامن، یعنی مسئول شناخته می‌شود.

راجع به شبه عقد، از مادهٔ ۱۲۱۵ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود». چنین استنباط می‌شود که صغیر ممیز، از این مسئولیت معاف نیست؛ زیرا قانونگذار در مقام بیان مسئولیت صغیر در خصوص واقعۀ حقوقی (شبه عقد) بوده؛ لکن از معافیت صغیر ممیز یا سفیه از مسئولیت در چنین موردی سخن به میان نیاورده است که خود حاکی از مسئولیت نامبردگان در چنین موقعیتی می‌باشد. از دیدگاه فقه اسلامی نیز در احکام وضعی، مانند موارث، دیات و ضمان ناشی از غضب و اتلاف؛ بلوغ و عقل، شرط نیست. و به عبارت دیگر، حجر صغیر بر "اسباب فعلیه" (اعمال مادی) موثر نیست و به "اسباب قولیه" یعنی عقود و ایقاعات (اعمال حقوقی) منحصر می‌شود. بنابراین، دامنه حجر و حمایت قانونی صغیر ممیز، صرفاً به اعمال حقوقی، به استثنای تملکات بلاعوض (آن دسته از اعمال حقوقی که صددرصد به نفع صغیر ممیز است) محدود بوده و حمایت از صغیر ممیز در زمینهٔ آثار حقوقی، چون اتلاف و تسبیب را شامل نمی‌گردد. اساس این پژوهش نیز مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سرپرست آن در قبال آثار حقوقی و همچنین افعال مادی یا وقایع حقوقی (اتلاف و تسبیب) است. و این‌ها چنان که گفتیم، از گستره حجر بیرون است.

بخش چهارم: تحلیلی بر مبانی ماهوی مسئولیت مدنی صغیر ممیز

از آن‌جا که سفیه یا صغیر ممیزی که مرتکب فعل زیانبار گردیده، بنابر فحوا و اطلاق مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و نیز تصریح مادهٔ ۱۲۱۶ قانون مذکور، می‌بایست پاسخگو و جبرانگر آثار

زیانبار عمل ارتكابی خویش باشد؛ و نیز از آن جا که ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، سرپرست صغار (اعم از ممیز و غیر ممیز) را در صورت اثبات تقصیر در امر نگهداری یا مواظبت از آنها، مسئول جبران زیان وارد شده از ناحیه وی دانسته است؛ لذا مبانی ماهوی مسئولیت صغیر ممیز را می توان عبارت از مسئولیت ناشی از فعل شخصی برای صغیر ممیز و مسئولیت ناشی از فعل دیگری برای سرپرست وی دانست.

بند اول: مسئولیت شخصی

در این نوع مسئولیت، اصولاً فاعل فعل زیانبار، صرف نظر از شخصیت عادی یا خاص خویش (جنون، صغر، سفاهت) مستقیماً پاسخگوی اعمال زیان آوری است که خود مرتکب شده است. لذا مسئولیت صغیر ممیز به رغم صغر سن و فقدان بلوغ و نیز مسئولیت سفیه، به رغم سفاهت و فقدان عقل معاش در قبال اعمال زیانبار خویش، وفق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی یا مضمون مواد ۳۰۷، ۳۲۲ و ۳۲۸ قانون مذکور، ناشی از مسئولیت شخصی این اشخاص در قبال فعل زیانبار خویش قطع نظر از وضعیت خاص، (صغرسن و سفاهت ایشان) و ارتکاب یا عدم ارتکاب تقصیر شخصی می باشد.

بند دوم: مسئولیت ناشی از عمل غیر

در این نوع مسئولیت، شخص، مسئول جبران زیان هایی است که از ناحیه دیگری وارد گردیده است. که مسئولیت والدین در قبال ضرر ناشی از اعمال فرزندان (از جمله صغیر ممیز وفق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) در این قسم از مسئولیت رده بندی می گردد. به موجب این ماده، کسی که نگهداری یا مواظبت از صغیر ممیز، قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می باشد؛ در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارد شده از ناحیه صغیر ممیز خواهد بود. قابل ذکر است که از دیرباز، مسئولیت سرپرستان بر نظریه تقصیر مبتنی نبوده و لذا آن ها مکلف بودند، بدون آن که در نگهداری از کودک، و تربیت وی مرتکب قصوری شده باشند، تمام خسارت های وارد شده را جبران کنند. اما این مسئولیت مطلق، متأثر از اوضاع و احوال حاکم بر آن دوران بوده و با توجه به آداب و رسوم آن روز، قابل توجه به نظر می رسید؛ زیرا در بسیاری از جوامع آن روزگار، زیان دیده این حق را داشت که برای جبران خسارت وارد شده، عامل زیان را در صورتی که مُعسر از پرداخت بود؛ به بردگی بگیرد. لذا رئیس خانواده و سایر اعضای قبیله به خاطر عقد و علایق خانوادگی خود را ملتزم می دانستند، برای جلوگیری از این اقدام زیان دیده، خسارت وارد شده را

جبران کنند. علاوه بر آن، کودکان و مجانین در آن دوران، علاوه بر اهلیت استیفا، از اهلیت تمتع نیز محروم بودند و هر آنچه کسب می کردند، متعلق به رئیس خانواده بود. لذا منطق و عقل سلیم حکم می کرد، کسی که از مال یا عمل کسی منتفع می گردد، تاوان خسارت وارد شده از ناحیه وی را بدهد؛ به طوری که در قرون معاصر نیز، برخی علمای حقوق تمایل دارند، مسئولیت سرپرست را بر "نظریه خطر" استوار سازند. لذا برای بلاجبران نماندن ضرر زیان دیده، اماره تقصیری را که نویسندگان قانون مدنی فرانسه برای کمک به زیان دیده در نظر گرفته اند، کافی ندانسته؛ پیشنهاد می کنند که پدر و مادر ضامن کلیه خساراتی شوند که از سوی صغیر، ولو ممیز، به دیگران وارد می گردد و ناگزیر از بیمه تمام آن خسارات باشند. همچنین برخلاف رویه قضایی، اعتقاد دارند که تنها اثبات قوه قاهره می تواند فرض تقصیر در مواظبت و تربیت را از بین ببرد و پدر و مادر را از مسئولیت معاف کند و حتی تأیید کرده اند که رویه قضایی، رفته رفته به سوی مسئولیت مطلق و بدون تقصیر پدر و مادر گام برمی دارد (صفایی، ۱۳۸۹، ص ۷۱).

بخش پنجم: منابع مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سرپرست آن در حقوق ایران

منابع مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سفیه در حقوق ایران را می توان در دو بخش "قانون مدنی" و مواد مربوط به آن و نیز در "قانون مسئولیت مدنی" به شرح ذیل مورد مطالعه و بررسی قرارداد:

بند اول: قانون مدنی

مواد ۳۳۱، ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶ قانون مدنی را می توان در کنار مواد دیگری از این قانون، همچون مواد ۳۰۷ و ۳۲۸ از عمده منابع مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سفیه در قانون مدنی و حقوق ایران به شمار آورد که در ادامه بحث، مواد قانونی پیش گفته مورد توضیح و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی: در مبحث محجورین و دامنه حجرایشان و توضیح چگونگی وضعیت صغیر ممیز و سفیه نسبت به اعمال مادی صادر شده از سوی آنان؛ اگر چه گفته شد که به علت ضعف قوای فکری و دماغی، مورد حمایت مقنن قرار گرفته و در عداد محجورین به شمار آمده اند؛ ولی گفتیم، در خصوص اعمال مادی که ممکن است ضرر و زیان و خساراتی را به اموال دیگران وارد آورند، باید طبق اصل کلی مسئولیت فردی و لزوم جبران خسارت زیان دیده، آنان را ضامن دانست. بنابراین، به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، هرگاه صغیر، اعم از ممیز، غیر ممیز و یا سفیه، زیانی به دیگری وارد کند، مسئول جبران آن است. براساس این ماده: «هرگاه صغیر یا مجنون

یا غیر رشید، باعث ضرر غیر شود، ضامن است».

این ماده از فقه اسلامی اقتباس گردیده است؛ زیرا در فقه، مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سفیه بدون تفکیک اتلاف و تسبیب مورد قبول قرار گرفته است و طبق اعلام فقهای اسلامی، در احکام وضعی، مانند ارث، دیات و ضمان ناشی از غضب و اتلاف؛ بلوغ و عقل شرط نمی باشد (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴). به عقیده برخی از حقوقدانان، ضمان صغیر، اعم از ممیز و غیر ممیز و سفیه در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی برحسب عموم قاعده "من اتلف مال الغير فهو له ضامن" می باشد. یعنی هر کس صغیر ممیز یا غیر آن مال دیگری را به مباشرت یا به تسبیب تلف کند، ضامن است؛ چنان که اگر شخصی در حال خواب نیز مال دیگری را تلف کرده یا سبب تلف آن گردد، ضامن اتلاف خویش خواهد بود؛ زیرا اساساً، در تحقق ضمان ناشی از اتلاف یا تسبیب، علم و اراده و تمیز شرط نیست و بنابراین، در حصول ضمان، صغیر یا کبیر، رشید یا سفیه، عاقل و مجنون و غافل یکسان هستند (حائری شاهباغ، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). در پاسخ به این ایراد، شاید بتوان گفت که قانونگذار در جهت بیان واحد مسئولیت مدنی "محجورین" به چنین کاری دست زده؛ نه این که واقعا به این امر معتقد باشد که حکم مسئولیت مدنی در مورد سفیه و یا صغیر ممیز، نظیر صغیر غیر ممیز و مجنون است؛ زیرا به دلایل زیر، سفیه و صغیر ممیز از جهت مسئولیت مدنی، وضعی مشابه اشخاص رشید دارند:

اولاً، سفیه و صغیر ممیز دارای اراده هستند و می توانند مانند اشخاص رشید، سود و زیان اعمال خویش را تشخیص دهند؛ درحالی که در مورد صغیر غیر ممیز و مجنون به لحاظ نداشتن قوه تمیز و فقدان اراده، نمی توان به تقصیر شخصی حکم داد. اما چنان که قبلاً گفتیم، غالب حقوقدانان در فرض مسئولیت صغیر غیر ممیز و مجنون به ویژه در تسبیب که بسیاری از حقوقدانان، ارتکاب تقصیر را شرط تحقق آن دانسته اند صرف تحقق "تقصیر نوعی" را کافی دانسته اند.

ثانیاً، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی در مقام بیان مسئولیت کسی که طبق قانون یا قرارداد، به نگهداری از مجنون و صغیر مکلف است؛ از سفیه نام نمی برد. و این امر، علاوه بر این که نشان می دهد قانونگذار برای سفیه، همان مسئولیتی را می شناسد که برای اشخاص رشید قائل است؛ این امر ثابت می کند، قیم سفیه، مسئولیت اعمال شخصی او را ندارد و فقط نماینده مالی اوست (امامی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷).

ثالثاً، اینکه قانون مدنی نیز این استنباط را تائید می‌کند؛ زیرا ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، در بیان مسئولیت داشتن صغیر غیر ممیز و مجنون در صورت نقص یا تلف مالی که به آنان نسبت داده شده باشد، نسبت به صغیر ممیز و سفیه، سکوت می‌کند. این حکم قانون که در واقع، بیان قاعده اقوی بودن سبب از مباشر است؛ ثابت می‌کند که سفیه و صغیر ممیز به لحاظ داشتن قوه تمیز، همچون اشخاص رشید مسئول واقع می‌گردند و در صورت تلف یا نقص مالی که به آنان سپرده شده است، به حکم اقوی بودن مباشر از سبب، باید از عهده خسارت وارد شده بر آیند. بنابراین، سفیه و نیز صغیر ممیز، مطابق قواعد کلی راجع به مسئولیت‌های مدنی، همانند اشخاص رشید، مسئول واقع می‌گردند و از این حیث، بین آنان تفاوتی وجود ندارد. بنابراین، مسئول دانستن صغیر ممیز و سفیه، مطابق اصول و قواعد پذیرفته شده و اصل مسئولیت شخصی است (قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۱).

۲. ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، به موجب این ماده: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون، مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود». براساس مفهوم مخالف این ماده، صغیر ممیز یا سفیه، برخلاف صغیر غیر ممیز و مجنون، در صورتی که مالی را که دیگری به او داده است، تلف و ناقص کند؛ چون به درک و تشخیص اعمال خود و آثار و عواقب آن قادر می‌باشد؛ مطابق ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی (مباحث اتلاف و تسبیب) به سبب ورود ضرر و زیان، ضامن است و باید خسارت وارد شده را جبران کند. و لذا مباشری است، که از مسبب یعنی صاحب مال، اقوی است؛ برعکس موردی که شخص مال را به دست صغیر غیر ممیز یا مجنون بسپارد؛ که در این صورت، چون صغیر غیر ممیز و یا مجنون، فاقد قوه درک و تشخیص اعمال خود و عواقب آن می‌باشند؛ به اصطلاح مباشری است که از سبب، یعنی شخص صاحب مال، ضعیف‌تر می‌باشد و لذا شخص مزبور به ضرر خود اقدام کرده و خود، موجبات تلف و یا معیوب شدن مال خویش را فراهم کرده است. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت، هر چند به موجب حکم ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، صغیر به طور کلی (اعم از ممیز و غیر ممیز) در صورت ایجاد ضرر ضامن می‌باشد؛ لکن برخی حقوق‌دانان برآنند که این ماده، به صغیر ممیز ناظر است؛ زیرا وی دارای قوه تمیز در پاره‌ای از امور و تشخیص آثار و نتایج آنها است و برخلاف صغیر غیر ممیز که کاملاً تحت سرپرستی ولی خود بوده و از طرفی، فاقد قوه تمیز است (و لذا ضامن حاصل از اعمال مادی او به ولی یا قیم او منتقل می‌شود) صغیر ممیز، خود مسئول جبران خسارت وارد شده از عمل

خود می باشد. ولی با توجه به حکم مندرج در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و جمع آن با مواد قانون مدنی در این خصوص، خسارت های حاصل از عمل وی، باید از محل اموال خود او و یا ولی و قیم وی جبران گردد و این، در حالی است که - چنان که خواهیم دید - در فقه، اعم از امامیه و اهل سنت، حکم ضمان و مسئول بودن صغیر، اعم از ممیز و غیر ممیز، به اموال خود وی تعلق می گیرد و با اموال ولی یا قیم او ارتباطی نخواهد داشت و از محل اموال خود او باید جبران شود و چنانچه مالی در دست خود و یا ولی و سرپرست نداشته باشد، باید شخص زیان دیده برای جبران خسارتش تا زمان بلوغ و کسب مال توسط خود وی صبر کند. نتیجه این که صغیر ممیز و سفیه، مطلقاً مسئول تلف و نقص مال می باشند؛ اگر چه دیگری، مال را به تصرف آنان داده باشد.

۳. ماده ۳۰۷ قانون مدنی، به موجب این ماده: «امور ذیل موجب ضمان قهری است؛ از جمله:

۱. غصب و آنچه در حکم غصب است (مسئولیت غاصب نامحدود)؛

۲. اتلاف؛

۳. تسبیب؛

۴. استیفاء؛

براساس آنچه پیش تر گفتیم، ضمان قهری، عبارت است از مسئولیت به انجام امری و یا جبران زیانی است که کسی بر اثر عمل زیانبار خود به دیگری وارد آورده است. لذا در صورتی که صغیر ممیز و سفیه منشاء وقایع حقوقی و از جمله تسبیب گردند به حکم این ماده، مسئول و به جبران خسارت زیان دیده موظف بوده و در برابر او مسئولیت مدنی داشته و ضامن می باشند.

۴. ماده ۳۳۱ قانون مدنی: اتلاف بالتسبیب یا همان "تسبیب"، عبارت از فعلی است که سبب وقوع تلف گردیده، علت تامه تلف نباشد؛ بلکه عمل به نحوی است که اگر واقع نمی شد، تلف نیز محقق نمی گشت. برخی از دادگاه های کامن لا نیز قواعد مشابهی ارائه کرده بودند؛ به این معنا که اگر حادثه بدون عمل خوانده

نیز واقع می گشت رفتار وی سبب تلقی نمی گردید. برخی از نویسندگان سببیت را عبارت از رابطه ای منطقی بین فعل یا ترک فعل و خسارت دانسته اند؛ لکن از آن جا که تشخیص این رابطه دشوار است و به اعتقاد برخی نویسندگان، کمتر مسئله حقوقی تا این حد پیچیده است؛ لذا دادگاه ها و حقوقدانان، به دنبال ملاک هایی برای احراز این رابطه بوده اند که سبب مستقیم، سبب

مسلط، سبب منحصر یا عامل اصلی، از جمله این معیارها می‌باشند. بنابراین، در صورتی که صغیر ممیز، مالی را به طور مستقیم تلف نکند؛ ولی برای تلف کردن آن، سبب سازی و مقدمه سازی کند، کار ایشان را اتلاف به تسبیب گویند و بنابر اطلاق ماده ۳۳۱ قانون مدنی در چنین صورتی، صغیر ممیز یا سرپرست، ضامن خسارت‌هایی هستند که از این راه به بار آمده است. به موجب ماده مذکور: «هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص آن برآید» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

بند دوم: رویکرد قانون مسئولیت مدنی

منابع مسئولیت مدنی سفیه و صغیر ممیز به تسبیب مواد ۷ تا ۱۷ قانون مسئولیت مدنی را به خود اختصاص داده است. که ذیلآ به شرح آن مبادرت می‌شود:

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود؛ مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، با این که نویسندگان قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹، ادعا می‌کردند که قانون مدنی را تکمیل ساخته‌اند؛ لکن این قانون، مبنای مسئولیت مدنی را به سود نظریه تقصیر، تغییر داد. و لذا مسئولیت مدنی اشخاص بر مبنای نظریه تقصیر استوار شد.

با توجه به اطلاق ماده مزبور، صغیر ممیز و سفیه نیز، چنانچه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، موجبات و اسباب ورود ضرر و زیان به غیر را فراهم آورده و سبب به بار آمدن خسارت گردند؛ مسئولیت مدنی دارند. لذا از باب تسبیب، جبران خسارت و ضرر وارد شده به دیگران مسئول هستند؛ زیرا اولاً، در قانون مذکور، یا سایر قوانین موجود، سفیه و صغیر ممیز از مسئولیت مبرا نشده و اطلاق ماده مؤید همین معناست و تصرفات صغیر ممیز نیز با توجه به برخورداری وی از قوای قصد و اراده و تمیز، صرفاً غیر نافذ بوده و با تنفیذ ولی یا قیم، از نفوذ و اعتبار کامل برخوردار می‌گردد. و لذا خود، شخصاً مسئول جبران خسارت و زیان‌هایی هستند که بالتسبیب به دیگران وارد می‌آورند؛ چه، با توجه به برخورداری ایشان از قوای تمیز و تشخیص حتی توانایی ارتکاب تقصیر شخصی را داشته و لذا در صورت مقصر بودن و احراز تقصیر، مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، در مقابل

زیان‌دیده مسئولیت مدنی داشته و به تدارک خسارت وی مکلف می‌باشد.

۱- ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و تعارض آن با ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی

قانون مدنی ایران، مسئولیت صغیر ممیز را در جایی که بتوان وی را عرفاً سبب ورود خسارت دانست، می‌پذیرد. قانون مسئولیت مدنی با هدف کاستن از شدت حکم ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و در جهت اصول حاکم بر آن قانون، در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، والدین و سرپرست چنین اشخاصی را در صورت ارتکاب تقصیر، مسئول فعل زیانبار بیماران ذهنی می‌داند. براساس این ماده: «کسی که نگاهداری یا مواظبت معجون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارد شده از ناحیه معجون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارد شده را نداشته باشد؛ از مال معجون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد و در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد». در این ماده، مبنای سرپرستی دو مورد بیان شده است: نخست، سرپرستی به موجب حکم قانون؛ که می‌توان آن را "سرپرستی قانونی" نامید؛ دوم، سرپرستی مطابق قرارداد که می‌توان آن را "سرپرستی قراردادی" عنوان داد. به این دو مورد، می‌توان دسته‌سومی را نیز افزود، ممکن است افرادی به طور داوطلبانه و خارج از حکم قانون و بدون انعقاد قراردادی به طور دائم یا موقت، نگهداری از فرد فاقد تمیزی را عهده‌دار شوند. نوع اخیر را می‌توان "سرپرستی داوطلبانه" نامید (صفایی، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

باید توجه داشت فقها و به تبع آن‌ها، قانون مدنی ایران، درجایی که فرد دچار بیماری ذهنی، به دیگری آسیبی وارد می‌آورد، داوری عرف را به عنوان ملاک شناسایی مسئول در نظر می‌گیرند. هرگاه چنین اشخاصی مستقلاً و بدون دخالت دیگری موجب بروز خسارت شوند، خود ایشان مسئول خواهند بود؛ اما اگر انسان برخورداری از هوش و ادراک، با آگاهی از وضعیت ذهنی عامل دیگر، در تحقق زیان دخالت داشته باشد و به عبارت دقیق‌تر، یکی از اسباب ایراد خسارت باشد؛ دادرسی که نماینده دیدگاه عرف است، وجود رابطه علیت را میان فعل شخص دارای خرد و زیان حاصل بدیهی می‌انگارد. به رغم چنین تمهیدی (که از نظریه‌های خطر و تقصیر نوعی، معتدل‌تر و پیشرفته‌تر به نظر می‌رسد) و با این که ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی حکم

ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی را ظاهراً تعدیل کرده است؛ لیکن مجموعه قواعد مسئولیت مدنی نمی‌تواند در این خصوص کارایی لازم را داشته باشد. بنابراین، صغیر ممیز که دارای قوه تمیز و تشخیص نیک و بد است و لذا امکان ارتکاب تقصیر شخصی و زیان وارده ناشی از آن، از سوی وی متصور می‌باشد؛ به طریق اولی برای جبران خسارت زیان‌دیده، مسئولیت شخصی داشته و زیان وارده ناشی از آن، از سوی وی متصور می‌باشد. و برعکس، تسبیب صغیر غیر ممیز، فعل یا ترک فعل وی در مقایسه با تقصیر سرپرست، سبب نزدیک و بی‌واسطه شناخته می‌شود؛ نه آن که تقصیر سرپرست وی در کنار تسبیب صغیر غیر ممیز، سبب اصلی و متعارف قلمداد شود. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی نیز صراحتاً به ضامن بودن شخص صغیر، اعم از ممیز و غیر ممیز، ولو به -تسبیب- اشاره دارد. بنابراین، برای تشخیص آن که کودکی مقصر است یا خطا کار نمی‌باشد؛ کار او با منش انسانی بالغ و معقول و همچنین شرایطی که تحت آن، حادثه زیانبار رخ داده است، مقایسه می‌گردد؛ نه با کار کودکان و نابالغان دیگر. لذا با این مفهوم، صغیر غیر ممیز نیز امکان ارتکاب تقصیر و ایجاد ضرر ناشی از آن را دارد؛ چه رسد به صغیر ممیز که براساس آنچه که گفته شد، با برخورداری از قوه تمیز، حتی بنابر نظریه سنتی تقصیر نیز می‌تواند مرتکب تقصیر و ایجاد ضرر ناشی از آن گردد. لکن از آن‌جا که حقوق نمی‌تواند خود را از قید و بند قواعد اخلاقی رها سازد و از آن‌جا که صغیر ممیز نیز غالباً از توانایی جبران خسارت زیان‌دیده برخوردار نیست، قانون مسئولیت مدنی در ماده ۷ در مورد این افراد ضعیف، به لحاظ حمایت از آنها و نیز زیان‌دیدگان، قاعده مسئولیت شخصی صغار، اعم از ممیز و غیر ممیز را نادیده گرفته و جانب عدالت را از دست نداده و شخصی را که حضانت و نگهداری طفل را برعهده دارد، مسئول جبران خسارات وارد شده دانسته است (صفایی، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

۲- تقصیر در نگهداری صغیر ممیز

در سیستم حقوقی ایران، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مصوب سال ۱۳۳۹، به بیان مسئولیت اشخاصی پرداخته که نگهداری و مواظبت از مجنون یا صغیر را برعهده دارند. این ماده علاوه بر والدین که قانوناً موظف به مراقبت از فرزند خود هستند؛ کسانی را که به موجب قرارداد، این وظیفه را برعهده گرفته‌اند، مانند پرستار، نیز مسئول می‌شناسد. می‌توان گفت در سیستم حقوقی ایران، مسئولیت والدین، نه به سبب دارا بودن رابطه خویشاوندی، بلکه به مناسبت

داشتن سمت سرپرستی مورد بحث قرار گرفته است.

معمولاً در اکثر کشورها، سرپرستان به دو جهت مسئول افعال صغیر قرار گرفته اند: یکی تقصیر در نگهداری و دیگری تقصیر در تربیت و البته اعمال او، مورد نخست در مورد صغیر ممیز، عملاً میسر نمی باشد و علت عمده و اساسی تقصیر سرپرست در رابطه با صغار ممیز، تنها در خصوص تقصیر ایشان در تربیت صغیر ممیز، متصور است، نه نگهداری از وی؛ زیرا صغیر ممیز که از قوه تمیز و تشخیص و عقل و اراده برخوردار است، برخلاف صغیر غیر ممیز و مجنون که به نگهداری دقیق و کامل، به مثابه نگهداری از حیوانات و اشیای خطرناک محتاج می باشند؛ طبیعتاً به نگهداری نیازی ندارد. لذا تقصیر سرپرست در رابطه با صغیر ممیز، بیشتر می تواند شامل نوع دوم، یعنی تقصیر در تربیت باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲۸).

برخلاف حقوق ایران، قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۳۸۴، بند ۴، پدر و مادر را متضامناً مسئول اعمال فرزند خود دانسته، تقصیر ایشان را در این مورد مفروض داشته است. در سیستم حقوقی کامن لا که کشورهای مانند آمریکا و انگلیس از آن تبعیت می کنند؛ مسئولیت والدین به سبب اعمال فرزند، با تردید مورد قبول قرار گرفته است؛ زیرا در آن جوامع به سبب وجود اعتقادات و فرهنگ خاصی که رواج دارد عقیده بر این است که والدین بر فرزند خود سلطه و اقتدار لازم را ندارند. بنابراین، نمی توان شخصی را که بر دیگری تسلط ندارد، در برابر اعمال او مسئول شناخت. در این سیستم حقوقی، والدین، به عنوان وظیفه ای اجتماعی به نگهداری فرزند خود موظف هستند و مسئولیت ایشان از این دیدگاه بررسی می شود. مسئولیت مدنی والدین که تحت عنوان مسئولیت ناشی از عمل غیر مورد بحث قرار می گیرد، رویکردی استثنایی از مسئولیت است؛ اما گفته شده که در این مورد هم شخص در حقیقت به سبب تقصیری که در انجام وظیفه خود در جهت حفظ و نگهداری و تربیت کودک مرتکب شده است؛ مسئول شناخته می شود. پس خسارتی را که جبران می کند، خسارت تقصیر خویش است؛ هرچند که این زیان را دیگری به بار آورده است (صفایی، ۱۳۵۶، ص ۱۹).

۳- تقصیر در تربیت صغیر ممیز

اهمیت تعلیم و تربیت را در تکوین شخصیت آدمی، نمی توان نادیده گرفت. از لحاظ تربیتی نیز این نکته ثابت شده است. روشی که در تربیت اطفال به کار گرفته می شود، بد یا خوب، نوعی زمینه

انفعالی را در او به وجود می‌آورد که می‌تواند بر تمام افعال بعدی او موثر باشد. قانونگذار ما، از اهمیت تربیت، غافل نبوده و در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی: «ابوین را مکلف نموده است تا در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کند و آنها را مهمل نگذارند».

اما سوالی که مطرح می‌شود، این است که آیا مسئولیت سرپرست در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تقصیر در تربیت را نیز شامل می‌گردد؟ برخی از حقوقدانان یکی از معانی واژه "مواظبت" را نظارت بر تعلیم و تربیت و هدایت معنوی دانسته و معتقدند، وظیفه مراقبت و تعلیم و تربیت، تماماً به والدین تفویض شده و تجزیه‌ناپذیر است. در تأیید این نظریه می‌توان گفت، واژه‌های نگهداری و مواظبت، با حضانت مترادف هستند. بدین سبب مقنن در باب حقوق و تکالیف والدین، در قبال فرزندان، گاهی از واژه حضانت استفاده کرده است و گاهی کلمه نگهداری و مواظبت را برای بیان منظور خود به کار برده است. وقتی این مترادف را پذیرفیم، بدون تردید، مواظبت، تعلیم و تربیت را نیز شامل خواهد شد. مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، سرپرست در صورت قصور در تربیت، مسئول افعال زیانبار صغیر ممیز خواهد بود؛ زیرا تربیت به عنوان حکم تکلیفی از طرف مقنن، بر سرپرست تحمیل و آن‌ها به ایفای آن ملزم گردیده‌اند و لذا در صورت قصور، مطابق قواعد عمومی، باید جوابگوی خطا و تقصیر خود باشند و تاوان قانون‌شکنی را پرداخت کنند. در این گونه موارد، به لحاظ تقصیر والدین، سبب اقوی از مباشر (در اتلاف) و یا سبب اصلی متعارف (در تسبیب) بوده و لذا مسئولیت متوجه سرپرست بی‌مبالا و نالایق می‌گردد (مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ قانون مدنی). با این حال، پذیرش این نظریه به طور مطلق، در مورد صغیر ممیز، دشوار به نظر می‌رسد، زیرا به لحاظ برخورداری از قوه تمیز، ارتکاب تقصیر شخصی از طرف وی امکان‌پذیر بوده و لذا خود به عنوان سبب اصلی و متعارف در مقایسه با سبب تقصیر سرپرست در تسبیب مسئول می‌باشد و عرف در این جا اتلاف را منتسب به او دانسته و سبب (تربیت والدین) را سبب اصلی و متعارف در تسبیب صغیر ممیز نمی‌داند. به نظر می‌رسد، شاید یکی از دلایلی که موجب شد مقنن در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، در مقام بیان، سکوت اختیار کند؛ آن بوده است که تقصیر در تربیت، در بسیاری از موارد، نقش سببیت را در وقوع فعل زیانبار، ایفا نمی‌کند و در صورت ایفای این نقش نیز، سبب دور محسوب می‌گردد. با این حال، نمی‌توان، فلسفه تقنین ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی را نادیده گرفت؛ بلکه بایستی حکومت این ماده را بر مواردی که

سوء تربیت، موجب تمهید زمینه برای وقوع فعل زیانبار از ناحیه صغیر ممیز می گردد؛ تعمیم داد و مسئولیت سرپرست را محرز دانست. برخلاف حقوق فرانسه و مصر که دکترین حقوقی و رویه قضایی آن کشورها، مسئولیت والدین را در صورت سوء تربیت محرز دانسته و اماره تقصیر را علیه آنان به کار گرفته اند؛ در حقوق ایران و انگلستان، مسئولیت والدین، در صورت تقصیر در تربیت به رسمیت شناخته نشده است. هر چند در حقوق ایران، مطابق اطلاق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و نیز قواعد عمومی، با احراز رابطه سببیت، بین سوء تربیت و ارتکاب فعل زیانبار، می توان مسئولیت را متوجه سرپرست کرد. (لکن برخلاف مصر و فرانسه) و لذا فقدان اماره تقصیر سرپرست در تربیت و مواظبت از صغیر ممیز، در حقوق ایران و انگلستان، اساساً بار اثبات تقصیر سرپرست بردوش زیان دیده قرار دارد و تا زمانی که تقصیر سرپرست به اثبات نرسد، جبران زیان وارد شده از محل اموال و دارایی سرپرست، ممکن نخواهد بود و زیان دیده، تنها با استفاده از قواعد مربوط به اتلاف و تسبیب و... خواهد توانست، از محل دارایی صغیر ممیز، تدارک خسارت و زیان وارده را خواستار گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸).

بخش ششم: تشریح حقوقی مسئولیت مدنی سرپرست صغیر ممیز

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران خسارت وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد». بند اول این ماده راجع به مسئولیت کسی است که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر به عهده اوست که ما برای سهولت کار، از او به "سرپرست" تعبیر می کنیم.

این مسئولیت نوعی مسئولیت ناشی از فعل غیر است که مبنای آن، حمایت از زیان دیده از یک سو، و ازسوی دیگر، وادار کردن سرپرست محجور به دقت و مراقبت در انجام وظیفه و در نتیجه، حمایت از محجور است. فکر حمایت از زیان دیده، مخصوصاً، قابل توجه است؛ زیرا محجور اغلب فقیر است و مالی از خود ندارد و اگر سرپرست صغیر، مسئولیت افعال زیان آور او را به عهده نداشته باشد، چه بسا زیان بدون جبران خواهد ماند و این، برخلاف عدالت و انصاف است

(کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

بند اول: مسئولیت والدین به عنوان مسئول محافظ، مراقب و مربی صغیر ممیز

طبق قانون مسئولیت مدنی، شرایط عمومی مسئولیت در حقوق فعلی ایران عبارت است از: تحقق خسارت و تقصیر وارد کننده زیان و وجود رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت وارد شده. از این شرایط عمومی آنچه در اینجا قابل بحث به نظر می‌رسد تقصیر است. پاره‌ای شرایط اختصاصی نیز در مسئولیت سرپرست وجود دارد که ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد:

تعهد به نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر: در بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی از «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد؛ سخن به میان آمده است که ما به جای این عبارت کلمه "سرپرست" را به کار بردیم. بعضی از علمای حقوق برآنند که دو کلمه «نگاهداری» و «مواظبت» در این ماده به طور مترادف و به یک معنی به کار رفته‌اند. بعضی دیگر بر این عقیده‌اند که لفظ "نگهداری"، اعم از واژه "مواظبت" است؛ زیرا «نگاهداری» مشتمل بر مواظبت و هم تهیه تمام یا قسمتی از لوازم ضروری زندگی مجنون یا صغیر، از قبیل خوراک و پوشاک و محل سکونت اوست» (قائم مقامی، ۱۳۴۷، ص ۳۶۵).

به نظر می‌رسد نگاهداری در این ماده به معنی خاص و حقوقی که از آن به حضانت هم تعبیر می‌کنند به کار رفته است. این نگاهداری در درجه اول حق و تکلیف پدر و مادر است و تابع شرایط احکام خاصی است که در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی و مواد ۱۲ تا ۱۴ قانون حمایت خانواده مقرر شده است. قوانین مذکور برای این مفهوم خاص حقوقی، گاهی کلمه "نگاهداری" (یا نگهداری) و گاهی کلمه "حضانت" را به کار برده‌اند. اما کلمه مواظبت، اعم است و دارای معنی خاص حقوقی نیست و به همان معنی لغوی استعمال شده که عبارت است از پیوسته مراقب کاری بودن و نگهداری کردن. به هر حال، بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی دارای مفهومی گسترده است و شامل هر کسی می‌شود که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد. بنابراین، هر یک از پدر، مادر، وصی و قیم، در صورتی که عهده‌دار حضانت محجور باشد، مدیر مدرسه و آموزگار که قانوناً موظف به مراقبت از دانش آموزان هستند؛ پرستاری که برحسب قرارداد یا قانون، مواظبت مجنون یا صغیر را به عهده گرفته است؛ کاسب یا پیشه‌ور یا صنعتگری که صغیر به او سپرده شده و نزد او کار می‌کند و هر شخص

دیگری که به موجب قانون یا عرف و عادت یا قرارداد، متصدی مواظبت و به نگهداری محجور موظف باشد مشمول قاعده مندرج در بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی هستند. قراردادی که به موجب آن، مواظبت محجور به شخصی واگذار می شود اعم است از اینکه معوض یا مجانی، کتبی و یا شفاهی باشد. تعهد به مواظبت ممکن است کوتاه مدت یا بلندمدت باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۸۴). البته بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، شخص حقوقی را شامل نمی شود. کلمه «کس»

که در این ماده به کار رفته است، فقط به شخص طبیعی اطلاق می گردد (همان منبع، ص ۳۶۴). در واقع قانونگذار خواسته است فقط اشخاص طبیعی را که عملاً و حقیقتاً مواظبت و نگهداری از محجور را به عهده دارند؛ مسئول اعمال آن ها بشناسند. معهدا در صورتی که شخص طبیعی، کارگر شخص حقوقی محسوب شود، می توان کارفرما را نیز طبق ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مسئول شناخت. هرگاه دو یا چند نفر نگهداری یا مواظبت محجور را به عهده داشته باشند (مانند پدر و مادری که مشترکاً عهده دار حضانتی هستند و یا اشخاصی که به موجب قرارداد، مواظبت مشترک طفل را پذیرفته اند) و به علت تقصیر مشترک آنان، از سوی محجور زانی به دیگری وارد شود؛ همه آنان نسبت به جبران خسارت مسئول و مکلف هستند؛ ولی مسئولیت آنان یک "مسئولیت تضامنی" نیست و هریک فقط مسئول زیان ناشی از تقصیر خود است و دادرس باید به نسبت تأثیری که تقصیر هر یک از آنان در ایراد خسارات داشته است، سهم او را در پرداخت خسارت معین کند؛ زیرا مسئولیت تضامنی برخلاف اصل است و احتیاج به نص دارد که در این مورد دیده نمی شود. البته در موردی که تقصیر سرپرستان جرم کیفری تلقی شود؛ طبق تبصره ۲ ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، مصوب ۱۳۵۱؛ متضامناً مسئول پرداخت خسارات وارد شده خواهند بود. اگرچه ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری از طفل را از تکالیف ابوبین به شمار آورده است (همان منبع، ص ۸۵).

منتهی با توجه به وضعیّت سنی صغیر، به اعتبار بقای زوجیت پدر و مادر، انحلال زوجیت، جنون، عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی یکی از آن ها، قانونگذار کسی را که حضانت و لذا مسئولیت صغیر به عهده او می باشد؛ مشخص کرده است که در ذیل بیان می گردد:

۱- در زمان زوجیت والدین

در قانون مدنی، "سن صغیر" تنها ملاک و معیار برای تعیین کسی که حضانت و مسئولیت او را

برعهده دارد؛ قرار گرفته است و صغیر ممیز در سنی است که در صورت بقای زوجیت ابوین، می‌توان گفت: تقریباً در تمامی موارد، مواظبت از او به عهده پدرش بوده و مادر، هیچ مسئولیتی در این خصوص ندارد؛ چنان که ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی صراحتاً مقرر می‌دارد: «برای نگهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت، حضانت با پدر است؛ مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم، حضانت آن‌ها با مادر خواهد بود».

با توجه به ماده مذکور، از آنجا که نگهداری اطفال ذکور، فقط تا دو سال به عهده مادرشان است هیچ شک و تردیدی نیست که صغیر ممیز اگر پسر باشد، حضانت او به عهده پدرش بوده و در مورد اناث نیز، اگر چه قانونگذار حضانت را تا هفت سالگی برای مادر شناخته است؛ ولی از آنجا که به طور نادر ممکن است، دختری قبل از هفت سالگی قدرت تمیز و ادراک داشته باشد؛ باید در صورت بقای زوجیت ابوین، مسئول حضانت دختری را که ممیز است نیز، پدر وی قلمداد کرد و فقط در مواردی استثنایی که قبل از هفت سالگی دختر ممیز شناخته شود؛ می‌توان مادر وی را مسئول نگهداری و حضانت وی به حساب آورد (همان منبع، ص ۸۷).

۲- در صورت انحلال زوجیت

در موردی که رابطه زوجیت بین ابوین به هر علت قانونی، مانند طلاق و فسخ نکاح در نکاح دائم و انقضای مدت و یا بذل مدت در نکاح منقطع، خاتمه پیدا کند؛ با توجه به توضیحات پیشین، چون حضانت صغیر به عهده پدر وی می‌باشد، مسئولیت نگهداری و مواظبت، متوجه او خواهد بود و مادر هیچ گونه مسئولیتی ندارد؛ خواه ازدواج مجدد کرده و یا نکرده باشد؛ زیرا اگر چه ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست، مبتلا به جنون شود، یا به دیگری شوهر کند، حق حضانت با پدر خواهد بود». (و مفهوم آن این است که ملاک تشخیص مسئول نگهداری و مواظبت طفل در مواردی که رابطه زوجیت قطع شده، همان است که در فرض بقای زوجیت پیش‌بینی شده است، مگر اینکه مادر طفل ازدواج مجدد نموده باشد) با وجود این مفهوم؛ در عین حال، با توجه به اینکه صغیر معمولاً از هفت سالگی به بعد، ممیز شناخته می‌شود (اگر چه سن مشخصی در این خصوص پیش‌بینی نشده و به اعتبار وضعیت خاص صغار، سن تمیز آن‌ها متفاوت است. لذا باید به این قائل بود که حضانت طفل ممیز، و لو در اناث، متوجه پدر خواهد بود؛ به جز موارد نادری که استثنائاً دختر قبل از هفت سالگی ممیز شناخته شود (مدنی،

۳- فوت یکی از والدین

در صورتی که یکی از والدین طفل فوت شود، صرف نظر از وضعیت سنی صغیر، حضانت وی به عهده دیگری می باشد که در قید حیات است. لذا در صورت فوت پدر، مسئولیت نگهداری و حضانت صغیر ممیز متوجه مادر خواهد بود؛ چنان که ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، نگهداری طفل را از تکالیف ابوین شمرده و بدیهی است که در صورت فوت یکی از آن ها، تکلیف کلاً بر دوش دیگری قرار خواهد گرفت و ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی نیز، به این امر تصریح کرده است: «در صورت فوت یکی از ابوین، حضانت طفل با آن که زنده است، خواهد بود؛ هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد».

پس در صورتی که پدر، قبل از فوت، برای فرزند صغیر خود وصی معین کرده باشد، در صورت زنده بودن مادر طفل، حضانت به عهده او خواهد بود و وصی صرفاً در امور مربوطه به اموال و حقوق مالی صغیر، حق مداخله خواهد داشت (همان منبع، ص ۱۲۰).

۴- جنون یکی از والدین

تربیت و نگهداری صغیر ممیز، تکلیف و وظیفه خطیری است که فقط اشخاصی که دارای قدرت تعقل و تدبیر می باشند؛ از عهده این امر مهم برخوردارند. بدیهی است، کسی که به علت جنون، فاقد قدرت تعقل می باشد، توانایی انجام چنین امر مهمی را ندارد. بر همین اساس در صورت جنون یکی از والدین، باید دیگری را که دارای قدرت تفکر و تعقل می باشد، مسئول نگهداری و مواظبت از او شناخت. ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی در این خصوص مقرر می دارد: «اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست مبتلا به جنون شود یا به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود». هر چند ماده مذکور، فقط موردی را که مادر مبتلا به جنون شده، پیش بینی کرده است؛ واضح است که از وحدت ملاک آن می توان چنین استفاده کرد که در صورت جنون پدر نیز، حضانت طفل بر عهده مادر قرار خواهد گرفت. چنان که این نکته در صورت فوت یکی از ابوین، در ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی پیش بینی شده است. از ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی که نگهداری اطفال را تکلیف ابوین به حساب آورده نیز می توان چنین نظری را استنباط کرد (همان منبع، ص ۱۲۱).

۵- عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی

به لحاظ اهمیت تربیت صحیح و پسندیده صغیر ممیز و با توجه به این که شخصیت انسان در این دوره سنی شکل می‌گیرد؛ در مواردی که یکی از ابوین دچار انحطاط اخلاقی بوده و برای نگهداری و تربیت او دارای صلاحیت لازم نمی‌باشد و یا به دلایل دیگر از نگهداری وی امتناع می‌کند؛ قانونگذار به منظور عدم انحراف اخلاقی طفل در همان سنین اولیه عمر و جلوگیری از در معرض خطر قرار گرفتن صحت جسمانی او و به خاطر این که این امر موجب سرکوب شدن استعدادهای بالقوه نگردد؛ در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، چنین پیش‌بینی کرده است: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد؛ محکمه می‌تواند به تقاضای قیم او و یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل، از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛

۲. اشتها به فساد اخلاقی و فحشا؛

۳. ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشک قانونی؛

۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق؛

۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف».

با توجه به ماده مذکور، در چنین مواردی صرف نظر از سن صغیر و ممیز یا غیر ممیز بودن او ممکن است، حضانت وی توسط محکمه به هر یک از پدر، مادر و یا اشخاص ثالث داده شود. در چنین مواردی، شخصی که تربیت و نگهداری صغیر به او واگذار شده است، در صورت تقصیر در اجرای وظیفه و ورود زیان به وسیله صغیر ممیز به دیگری؛ ضامن جبران ضرر وارده می‌باشد.

سوالی که در این جا به ذهن می‌رسد آن است که آیا سرپرست، پس از پرداخت خسارت می‌تواند آنچه را که پرداخته است، از مال صغیر ممیز برداشت کند؟ و به تعبیر دیگر، آیا رجوع سرپرست صغیر ممیز، به او در این مورد جایز است یا خیر؟

پاسخ آن است که اگر سرپرست، دین صغیر را پرداخت کرده باشد، طبق قواعد حقوق مدنی، حق

رجوع به او را خواهد داشت. لکن در فرض ما، چون خسارت وارد شده، ناشی از تقصیر سرپرست بوده و او در واقع، دین خود را ادا کرده است؛ بنابراین، حق رجوع به صغیر ممیز و برداشت خسارت از مال وی را نخواهد داشت.

البته نظریه دیگری هم در این خصوص وجود دارد و آن، اینکه بنابر استدلال برخی از استادان، چون تسبیب صغیر ممیز، از سبب تقصیر سرپرست قوی‌تر است؛ چنانچه سبب اصلی صغیر ممیز باشد و تقصیر سرپرست وی را نتوان سبب اصلی و متعارف قلمداد کرد، با استفاده از ملاک ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی در مورد کارفرما، سرپرست نیز در این صورت، حق رجوع به صغیر ممیز و برداشت خسارت از اموال وی را خواهد داشت (قائم مقامی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۳).

نکته دیگری که در این جا مطرح است، این که آیا برای مسئولیت سرپرست، تقصیر صغیر ممیز وارد کننده زیان نیز شرط است؟ ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، شرط تقصیر صغیر ممیز را مقرر داشته است و می‌دانیم که صغیر ممیز، دارای قوه تمیز و اراده آگاهانه و آزاد است و می‌تواند مرتکب تقصیر (تقصیر شخصی) گردد. بنابراین، اگر عمل صغیر ممیز، نامشروع تلقی نشود، یا علتی برای عدم انتساب حقیقی زیان به او وجود داشته باشد، چنان که قوه قاهره یا تقصیر زیان‌دیده، باعث ایراد خسارت باشد، در این گونه موارد، سرپرست را هم نمی‌توان مسئول دانست (همان منبع، ص ۳۶۴).

بند دوم: مسئولیت سایر اشخاص (غیر والدین) در قبال زیان وارد شده به وسیله

صغیر ممیز

۱- وصی

طبق ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی: «هر یک از پدر و جد پدری می‌تواند برای بعد از فوت خود، کسی را به عنوان وصی تعیین کند تا در نگهداری و تربیت اولاد، پس از فوت او مواظبت کرده و اموال آنها را اداره کند». با توجه به این که ماده مذکور، به امر نگهداری و تربیت فرزند اشاره می‌کند، باید دید، پدری که حضانت با اوست، می‌تواند آن را به وصی واگذار کند و مادر را از این حق محروم سازد؟ زیرا چنان که گفته شد، در صورت فوت یکی از ابوبین، امر حضانت با دیگری است که در این صورت حکم مندرج در ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ ظاهراً از این حیث بین مادتين ۱۱۷۱ و ۱۱۸۸ تعارض وجود دارد. برای رفع این تعارض، باید گفت ماده ۱۱۸۸

قانون مدنی، به موردی ناظر است که طفل مادر نداشته باشد. در این صورت، وصی عهده‌دار امر حضانت خواهد بود؛ زیرا ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی صراحت دارد که حکم مندرج در آن، به موردی ناظر است که ابوين، در قید حیات بوده و یکی از آنان بمیرد و قسمت آخر تاکید می‌کند که «هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد».

نیز چنان که گفته شده است، مقصود از "قیم" در این ماده، همان "وصی" است؛ زیرا قیم کسی است که به پیشنهاد دادستان و حکم دادگاه، برای اداره امور محجورین، تعیین می‌گردد. بنابراین، وصی هنگامی عهده دار امر حضانت است که طفل بدون مادر بوده و حضانتش با پدر باشد و نامبرده کسی را به عنوان وصی برای امور صغیر ممیز معین کند. در صورتی که صغیر ممیز مادر داشته باشد و پدر برای امر حضانت، کسی را به عنوان وصی برگزیده باشد، این امر، بر حضانت طفل موثر نبوده و طبق ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی، مادر عهده دار حضانت صغیر ممیز خواهد بود. در هر مورد که وصی طبق قانون، به نگهداری صغیر ممیز مکلف باشد، هرگاه بر اثر تقصیر او در این امر، صغیر ممیز، به دیگری خسارتی وارد آورد، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، وصی مسئول جبران آن خواهد بود (تاجمیری، ۱۳۷۸، ص ۷۵).

۲- قیم

طبق بند ۲ ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی: «برای صغاری که ولی خاص نداشته باشند». و نیز طبق قانون حمایت از خانواده، در صورت عدم صلاحیت آنان، به نصب قیم اقدام می‌گردد. طبق ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی: «مواظبت شخص مولی علیه با قیم است». از این ماده، به خوبی برمی‌آید که امر حضانت با قیم خواهد بود. در این صورت، چون نامبرده، طبق قانون به نگهداری و مواظبت از صغیر مکلف است؛ تردیدی نیست که می‌تواند یکی از کسانی باشد که طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، در صورت تقصیر در امر نگهداری و مواظبت و ایراد خسارت به وسیله صغیر ممیز؛ مسئول تلقی می‌گردد (همان منبع، ص ۷۶).

۳- امین

آیا "امین" را می‌توان طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئول شناخت؟ به نظر می‌رسد، امین در حدود ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی، یعنی آن‌جا که ولی قهری به علت غیبت یا حبس یا به هر علتی دیگر نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند و از عمل صغیر ممیز، خسارتی به کسی وارد آید و این

امر، ناشی از تقصیر وی در امر حضانت یا مواظبت باشد؛ مسئول جبران آن خواهد بود و در صورتی که امر حضانت به پدر یا مادر سپرده شده باشد؛ طبیعی است که حسب مورد، یکی از آن ها مسئول خواهد بود (همان منبع، ص ۷۷).

۴- مسئولیت اشخاص ثالث

"مسئولیت اشخاص ثالث"، فقط وقتی تحقق می یابد که دادگاه حضانت را به آنان واگذار کرده باشد؛ زیرا در این صورت، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، می تواند تحقق پذیرد. کسی که به حکم دادگاه به نگهداری از صغیر ممیز مکلف باشد، باید در اجرای این تکلیف قانونی بکوشد و در صورت تقصیر او و وقوع خسارت به وسیله صغیر ممیز، به عهده اوست که آن را جبران کند (تاجمیری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲).

۵- سرپرست صغیر ممیز بدون سرپرست

طبق ماده ۱ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، زن و شوهر می توانند با توافق یکدیگر، طفلی را با تصویب دادگاه، سرپرستی کنند. ماده ۱۱ قانون مذکور، وظایف و حقوق سرپرست را نسبت به طفل (صغیر ممیز) تحت سرپرستی، از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر دانسته است. بنابراین، چون طبق قانون، نگهداری از صغیر ممیز بدون سرپرست، با زوجین سرپرست است؛ از این رو، در صورتی که صغیر ممیز تحت سرپرستی، بر اثر، تقصیر سرپرست به دیگری خسارت وارد آورد؛ مسئولیت جبران به عهده آنان است.

موضوع قابل بحث در این جا، این است که زوجین، متفقاً عنوان سرپرستی دارند در این صورت، مسئولیت آنان چگونه خواهد بود؟ آیا در همه موارد، بالاتفاق مسئول هستند یا این که ترتیب به نحو دیگری است؟ به نظر می رسد با توجه به ماده ۱۱ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، درخصوص نگهداری صغیر ممیز، باید همان گونه عمل گردد که در مورد ابوین، بیان گردید؛ یعنی زوجین سرپرست مشترکاً مکلف به نگهداری صغیر ممیز هستند؛ مگر این که دادگاه تصمیم دیگری اتخاذ کند (صفایی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۵).

۶- مراکز آموزشی و پرورشی

از جمله کسانی که امر مواظبت صغار، و از جمله صغیر ممیز را عهده دار هستند، اولیای مدارس می باشند؛ زیرا آنان نیز ممکن است طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئول قرار گیرند و طبق

مقررات وزارت آموزش و پرورش، مکلفند در این امر جدیت کنند. اما باید توجه داشت که تفکیک مسئولیت مدیر و آموزگار از یکدیگر مهم است و در واقع، باید در هر موردی، دقیقاً تشخیص داد که مسئولیت به عهده چه کسانی است. به نظر می‌رسد، مسئولیت آموزگار، هنگامی است که ساعات درس شروع می‌گردد و هم‌چنان تا پایان آن ادامه دارد. در تمام این مدت؛ هرگاه بر اثر تقصیر آموزگار، خسارتی به وسیله صغیر ممیز، به دیگری وارد آید، شخص آموزگار مسئول است اما مسئولیت مدیر در غیر ساعات کلاس درس، از لحظه ورود طفل به مدرسه، تا پایان کار روزانه مدرسه خواهد بود در تشخیص مسئولیت آموزشگاه‌ها و مدارس باید آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش در این خصوص، ملاک عمل واقع شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۷۹).

۲- استادکاران و کارفرمایان

طبق ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند». بنابراین والدین مکلف به آموزش فرزندان خویش هستند. در اجرای این تکلیف، می‌توانند فرزندان خود را نزد صاحبان حرفه‌ها و مشاغل به کارآموزی بگمارند. از طرفی چون طبق قانون کار، به کارگماردن، افراد کمتر از ۱۵ سال ممنوع است و افراد بالای ۱۵ سال نیز اساساً کبیر بوده و صغیر، ولو ممیز محسوب نمی‌شوند از این رو، مسئولیت مندرج در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، در مفهومی است که در قانون کار آمده است. در عین حال، باید توجه داشت که استادکاران و کارفرمایانی که طبق قرارداد کارآموزی، عهده دار آموزش صغار می‌گردند، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، وظیفه مواظبت از آنان را برعهده دارند تا از اعمال آن‌ها خسارتی متوجه دیگری نشود. در غیر این صورت، طبق ماده مذکور مسئول جبران آن خواهند بود. مثلاً هنگامی که استادکار، کارآموز را به انجام دادن کاری بر روی شیئی متعلق به دیگری دستور می‌دهد از لوازم ذاتی قرارداد کار وی با صغیر ممیز، مواظبتی است که باید برای جلوگیری از ورود خسارت به عمل آورد (همان منبع، ص ۸۰).

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار صغار همواره مورد عنایت قانونگذاران و حقوق‌دانان بوده است؛ زیرا عدالت و انصاف و مصلحت اجتماعی اقتضا می‌کند که زیان وارد شده به وسیله صغار، همچون زیان وارد شده توسط اشخاص دارای اهلیت جبران شود و هیچ‌زیانی بدون جبران باقی نماند. به دلیل ناکافی بودن و ضعف قدرت نظارتی والدین و سرپرستان بر اعمال صغار و نیز به دلیل افزایش تالمات و ناگواری‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی در عصر حاضر؛ جبران خسارت ناشی از اعمال زیان‌آور آنان اهمیت موضوع را فزونی بخشیده است. در برخی از نظام‌های حقوقی، مانند کامن‌لا، مسئولیت مجبورین و سرپرستان ایشان تابع مقررات عام قانون مدنی است و قواعد خاصی در این زمینه وجود ندارد؛ اما در حقوق ایران، مسئولیت مجبورین صراحتاً در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، که در حقوق اسلامی و فقه (اعم از فقه امامیه و عامه) ریشه دارد؛ اگر صغیر یا مجنون، مال متعلق به دیگری را تلف کند؛ ضمان برعهده هر دو مستقر است. به سبب این که ضمان از احکام وضعیه بوده که شامل همگان می‌شود. لذا عقل و بلوغ در آن شرط نیست. اما با تصویب قانون مسئولیت مدنی، کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارد شده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارد شده را نداشته باشد؛ از مال مجنون یا صغیر، آن زیان جبران خواهد شد و در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی). ماده مذکور از قانون مدنی آلمان اقتباس شده و بر مبنای تقصیر استوار است. لازم به ذکر است در قوانین جدید کشورهای اسلامی همانند حکم مندرج در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، به جنبه اجتماعی و نوعی تقصیر توجه شده و مسئله بدون جبران نماندن ضرر، زیان‌دیده مورد عنایت قرار گرفته است. چنانکه ملاحظه می‌شود، حتی مجنون و صغیر غیر ممیز نیز در قبال اتلاف خویش، مسئول جبران ضرر زیان‌دیده هستند و چنان‌چه مالی از آنان موجود نباشد، زیان‌دیده باید تا زمان افاقه، یا بلوغ ایشان صبر کند و آن‌گاه برای جبران ضرر وارد شده، به آنان رجوع کند و حق مراجعه به شخص دیگر را ندارد؛ مگر آن که، مسئولیت نگهداری آنان با کسی بوده و محافظ در نگهداری، مرتکب

تقصیری شده باشد که عرفاً، سبب خسارت وارد شده تلقی گردد؛ که در این صورت، به واسطه قاعده سبب اقوی از مباشر، محافظ و مسئول جبران زیان زیان‌دیده شناخته خواهد شد. نهایتاً باید اذعان داشت در اکثر کشورها، مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان صغیر در قبال اعمال زیانبار ایشان، بر فرض تقصیر مبتنی است. معمولاً الزام به اثبات تقصیر عامل زیان برای شخص زیان‌دیده، بار سنگینی است و غالباً زیان‌دیده در اجرای این تعهد با شکست مواجه می‌شود و در نتیجه زیانی که بر او وارد شده جبران نشده، باقی می‌ماند. به همین دلیل، در بعضی موارد، قانون، زیان‌دیده را از الزام به این تکلیف معاف می‌کند و این معافیت از طریق ایجاد اماره تقصیر علیه بعضی اشخاص معین است. مسئولیت سرپرستان صغیر ممیز از جمله مسئولیت‌های مبتنی بر این اماره تقصیر است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد....

- اسدآبادی، م. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی اثر جنون، صغر و مستی بر قرارداد در حقوق ایران وانگلیس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کار.
- بهرامی احمدی، ح. (۱۳۹۸). سوء استفاده از حق. تهران: انتشارات اطلاعات.
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۵۷). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت. جلد اول، تهران: انتشارات بنیاد راستاد چاپ مشعل.
- حسین آبادی، امیر. (۱۳۹۶). "بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی". مجله الهیات و حقوق دانشگاه رضوی، شماره ۲۰.
- حسینی عاملی، ج. (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. جلد ۱۸، قم: انتشارات اسلامی.
- حسینی نژاد، ح. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی. تهران: جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- حلی، ا. (۱۳۴۶). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. ترجمه یزدی، ابوالقاسم بن احمد، قم: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم.
- خاکزاد، م. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی نقش تمیز در مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق ایران و کامن لا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- درودیان، ح. (۱۳۷۶). مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۰۵۸.
- ژوردن، پ. (۱۳۹۲). اصول مسئولیت مدنی. ترجمه ادیب مجید، تهران: نشر میزان
- ژوردن، پ. (۱۳۸۶). تحلیل رویه قضایی در زمینه ی مسئولیت مدنی. ترجمه ادیب مجید، تهران: نشر میزان.
- سنهوری، ع. (۱۹۵۲). الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، نظریه التزام بوجه عام. جلد اول، بیروت: دار احیای التراث العربی.
- شکاری، ر. (۱۳۸۵). جزوه درسی قواعد فقه. تهران: دوره کارشناسی دانشگاه امام صادق(ع).

- شهیدی، م. (۱۳۸۶). آثار قراردادها و تعهدات. تهران: انتشارات مجد. چاپ سوم.
- صانعی، پ. (۱۳۵۵). حقوق جزای عمومی. جلد اول و دوم، تهران: دانشگاه ملی.
- صفایی، ح. (۱۳۷۵). مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان.
- صفایی، ح، قاسم زاده، م. (۱۳۸۴). حقوق مدنی اشخاص و محجورین. تهران: انتشارات سمت، چاپ یازدهم.
- عادل، م. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی صغار در حقوق ایران و مصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- عبدلی، م. (۱۳۹۰). بررسی اعمال حقوقی نافذ صغار از نظر فقه و قوانین موضوعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام خمینی.
- طوسی، ا. بی‌تا. المبسوط کتاب الغصب. جلد سوم، تهران: انتشارات حیدریه.
- فاطمی، م. (۱۳۹۰). حجر در حقوق ایران. تهران: چاپخانه حکمت. چاپ دوم
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۰). ضمان قهری و مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۲). حقوق خانواده. جلد اول و دوم، تهران: نشر بهمن برنا، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۱). قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۱). الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری) دوره دوجلدی؛ جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی بجنوردی، م. (۱۳۸۶). اندیشه‌های حقوقی (۱) حقوق خانواده. تهران: انتشارات مجد.
- موسوی خمینی، ر. (۱۳۸۰). تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- یزدانیان، ع. (۱۳۸۶). حقوق مدنی قواعد مسئولیت مدنی. جلد اول، تهران: نشر میزان.